

## بررسی ساختارهای اقتصادی ارداویرافنامه

علی ربیع‌زاده\*

میرزا محمد حسینی\*\*

### چکیده

ارداویرافنامه یکی از متون پهلوی ساسانی است که شرح معراج موبدی به نام ارداویراف به بهشت و دوزخ در آن نگاشته شده است. هرچند این اثر دارای درونمایه‌ای دینی است، اما بسیاری از ساختارهای اقتصادی نظام ساسانی را می‌توان در آن یافت. این تحقیق به شیوه اسنادی کتابخانه‌ای بر پایه تحلیل محتوی انجام شده است و در پی یافتن ردپای ساختارهای اقتصادی نظام ساسانی در کتاب ارداویرافنامه می‌باشد، وهدف آن اعتبارسنجی کتاب ارداویرافنامه است. در این تحقیق نخست ساختارهای اقتصادی کتاب بررسی و سپس با ساختارهای اقتصادی نظام ساسانی مقایسه می‌شود و نتیجه تحقیق چنین است که ساختارهای اقتصادی کتاب کاملاً هماهنگ و همسو با ساختارهای اقتصادی نظام ساسانی هستند و لذا کتاب ارداویرافنامه می‌تواند به عنوان یک منبع معتبر جهت بررسی ساختارهای جامعه ساسانی مورد استفاده محققین قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: ارداویرافنامه، ساختارهای اقتصادی، ساسانی، زرتشت، متون پهلوی

### ۱. مقدمه

ارداویرافنامه شرح معراج موبدی ساسانی به نام ارداویراف می‌باشد که با خوردن می و مَنگ به جهان روحانی می‌رود و شرح سفرش را دبیری کتابت می‌کند. این اثر احتمالاً در اواخر دوره ساسانی به زبان پهلوی نگارش یافته و جزو کتب دینی زرتشتیان به شمار می‌رفته و در بین زرتشتیان ایران و هند از اهمیت مذهبی بسیاری برخوردار بوده است،

\* کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان، دانشگاه آزاد شاهرود (نویسنده مسئول) a506506506@gmail.com

\*\* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود. mohamadhassani68@yahoo.com.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۲۹

ارداویرافنامه را نخستین بار زرتشت بهرام پژدو شاعر زرتشتی مذهب قرن هفتم هجری به نظم فارسی درآورد اما تاکنون تحقیقی همه جانبه بر روی تمامی ساختارهای ارداویرافنامه انجام نگرفته است و تحقیقاتی که تاکنون انجام گرفته موردی بوده و بخشی از ساختارهای کتاب را در بر می گرفته است. برای نمونه، بارتلمی (Bartholomae) خاورشناس فرانسوی در سال ۱۸۸۷ میلادی ترجمه ای از این کتاب به زبان فرانسه تهیه نمود و در مقدمه کتاب خود موضوع کتاب و سوابق تاریخی را به طور خلاصه بیان داشته است و سپس یک تفسیر برای روشن شدن قسمتهای مختلف کتاب آورده و در پایان فهرستی برآن افزوده است. رشید یاسمی (سال ۱۳۱۴ خورشیدی)، عفیفی (سال ۱۳۴۲)، مهرداد بهار (سال ۱۳۶۲) و ژاله آموزگار (سال ۱۳۷۲) نیز هر یک جداگانه ارداویرافنامه را به فارسی ترجمه کرده‌اند و هر یک در مقدمه کتاب خود نقدهایی درباره آن نوشته‌اند. مهرداد بهار تحقیقات گسترده‌ای درباره ارداویرافنامه انجام داده است. از جمله جایگاه زن را در ارداویرافنامه مورد بررسی قرار داده و همچنین بهشت و دوزخ را در این کتاب بررسی کرده و ترجمه کامل آن را در کتابی تحت عنوان: پژوهشی در اساطیر ایران آورده است.

تازه ترین تحقیق درباره این کتاب، اثر داریوش کارگر است. او برای نخستین بار شش دست نوشته کتاب را تصحیح و آن را با روایت پهلوی مقایسه کرد و به صورت پژوهشی مفصل به عنوان رساله دکتری خود، در ۲۰۰۹ میلادی از سوی دانشگاه اوپسالا (Uppsala) در سوئد به چاپ رسانید. بر پایه پژوهش کارگر، ارداویرافنامه اثری حماسی و متعلق به دوره پیش زردشتی در ایران است که بعدها به وسیله جامعه موبدان مورد استفاده قرار گرفته و به مرور تفصیل بیشتر یافته و شکل دینی پیدا کرده است، کارگر در پژوهش خویش نشان داد که در متن کنونی فارسی زردشتی، هنوز نشانه‌هایی از غیر دینی بودن این اثر بر جای مانده که آن را از روایت دینی متمایز می کند.

این محققین عمدتاً به ساختارهای: دینی، اخلاقی و سیاسی کتاب پرداخته‌اند و از بررسی ساختارهای اقتصادی کتاب غفلت ورزیده‌اند، لذا نگارنده در این تحقیق سعی می کند تا با بررسی ساختارهای اقتصادی کتاب بخشی از کار ناتمام این نویسندگان را به اتمام برساند و با بهره گیری از تحقیقات مورخین پیشین و تکمیل آنها سیمای کامل تری از این منبع دوره ساسانی ارائه نماید، فرضیه‌ای که ما در این تحقیق در پی اثبات آن هستیم اینگونه بیان می شود: به نظر می رسد می توان ردپایی از ساختارهای اقتصادی جامعه ساسانی مانند: مشاغل گوناگون و درجه اعتبار و اهمیت آنها، خوراک - پوشاک و مسکن و محصولات فناوری آن دوره را در مفاهیم کتاب مشاهده کرد. برای اثبات این فرضیه در این

تحقیق مشاغل گوناگون و اهمیت آنها شیوه‌های داد و ستد و حمل و نقل و بازرگانی و رد پای سه مقوله اصلی خوراک، پوشاک و مسکن در کتاب بررسی و با متون پهلوی مورد مقایسه قرار می‌گیرند، هدف از انجام این تحقیق اعتبارسنجی ارداویرافنامه به عنوان یک منبع دوره ساسانی می‌باشد و شیوه تحقیق در این طرح اسنادی-کتابخانه‌ای برپایه تحلیل محتوا و ابزار کار نیز فیش برداری می‌باشد.

## ۲. رد پای مشاغل گوناگون جامعه ساسانی در ارداویرافنامه.

### ۱-۲. روحانیون

روحانیون نخستین طبقه از چهار طبقه بزرگ جامعه ساسانی هستند، و خود این طبقه نیز به چندین زیر طبقه تقسیم می‌شود. طبقات روحانیون زرتشتی به کرات در کتاب معرفی شده‌اند، از جمله در فصل ۱ «و او بسیاری از دستوران و هیربدان و موبدان و هیربدان و موبدان و دین برداران و افرامندان و دانایان ایرانشهر را بکشت» (ارداویرافنامه، ۱۳۷۲: ۴۲). دستور مقام روحانی‌ای بود که نگهبان سنتهای مقدس و پیشوای جامعه زرتشتی است، این مقام احتمالاً در دوران متأخرتر بوجود آمده است و نشانگر دستکاری و تحریف در مطالب کتاب در دوره اسلامی می‌باشد، هیربد مقام روحانی مسئول مراسم و بخصوص عهده دار آموزش است و در رتبه پایین تری نسبت به موبد قرار دارد و موبد به روحانی درجه یک زرتشتی اطلاق می‌گردد که در هر شهر در کنار شهر بد دارای مقام بالایی بودند و از اختیارات زیادی برخوردار بودند، درجات روحانیون در دوره ساسانی از پایین به بالا عبارت بودند از: مغان- هیربدان- موبدان- هیربد هیربدان و موبد موبدان؛ در وندیداد و ویسپرد طبقات روحانیون ۷ طبقه ذکر شده است (یشت‌ها، ۱۳۷۷: ج ۱/ ۴۶۹)، در برخی از فصول ارداویرافنامه از جمله فصل ۱۴ به جای نام موبدان القاب آنها ذکر شده است، مانند: یژش‌گران و منتر‌گویان (دعا‌گویان) و رد‌خدایان (پیشوایان دینی).

### ۲-۲. ارتشتاران

ارتشتاران یا سپاهیان یکی دیگر از طبقات قدرتمند دوران ساسانی بودند که در چندین بخش از کتاب ستوده شده‌اند از جمله: «و دیدم روان ارتشتاران را که در برترین رامش و در اندیشه‌ای شادمانه راه می‌رفتند، با جامه‌دهبدان، با زین‌افزارگردان خوب

ساخته شده، از زر ساخته شده و گوهر افزوده، درخشان همه زینت یافته در ارابه و گردونه شگفت با شکوه و نیرومندی و پیروگری بسیار». (یشت ها، ۱۳۷۷: ج ۱/۵۹)

### ۲-۳. شبانان

یکی دیگر از مشاغل رایج در دوره ساسانی شبانی بود که جزو طبقات پایین اجتماعی به شمار می‌رفت، اما با این وجود به دلیل مالیات وسیعی که به دولت می‌پردازد از نظر اقتصادی جزو مشاغل مهم و درآمدزا به حساب می‌آمد و بخش عمده‌ای از جمعیت روستایی و عشایر دوره ساسانی را شامل می‌شد، این شغل نیز در ارداویرافنامه ستوده شده است: «و دیدم روان شبانانی که در گیتی چهار پای و گوسفند را مراقبت کردند و آنها را پروردند و از گرگ و دزد و مردم ستمکار نگاه داشتند و هر وقت موقعش بود به آنها آب و گیاه و خوراک دادند و از سرما و گرمای سخت نگاه داشتند و در زمان خود به آنها نر دادند و آنها را مطابق قانون نگاه داشتند و سود بزرگ بسیار و بهره و نیکی و خوراک و جامه به مردمان جهان دادند» (ارداویرافنامه، ۱۳۷۲: ۶۰).

در بندهش نیز به نگهداری از گوسفندان تاکید و سفارش بسیاری شده است (عفی‌فی، ۱۳۸۳: ۴۶۹).

### ۲-۴. ده بد

ده بد یا پیشوای ده مهمترین واحد اجتماعی در جامعه روستانشین در دوره ساسانی بوده است که در ارداویرافنامه بدان اشاره شده است، آنها ملاکین بزرگ بودند که بیشترین میزان مالیات را پرداخت می‌کردند و نقش بزرگی در اقتصاد ساسانی ایفا می‌نمودند.

### ۲-۵. سالار

منظور فرمانده و رئیس سپاه که جزو طبقات اجتماعی اداره کننده بود، در ارداویرافنامه تنها نام آن ذکر شده است.

### ۲-۶. کشاورزان

در دین زرتشتی کشت زمین از اعمال بسیار مهم مذهبی شمرده می‌شد. در فصل چهارم کتاب مینوی خرد وقتی دانا از مینوی خرد می‌پرسد که کدام زمین شادتر است؟ او فهرستی در پاسخ ارائه می‌دهد که بازتاب ذهنیت جامعه زرتشتی ساسانی است:

«آن زمین شاد تر... که گاوان و گوسفندان در آن خوابند... زمین کشت نشده و نا آبادان هنگامی که آن را باز به کشت و آبادانی آورند... وقتی زمین ویرانی را آباد کنند...» (مینوی خرد، ۱۳۷۶: ۲۹)

شیوه اصلی تولید و منبع در آمد و امرار معاش مردم در دوره ساسانی کشاورزی بود، ساسانیان به توسعه کشاورزی بسیار علاقه مند بودند و قنوات، سدها و آب بندهای بسیاری در سرتاسر کشور ساختند، اما برخلاف تمرکز ثروت در بخش کشاورزی، کشاورزان عملاً قدرتی نداشتند و عمدتاً جزو طبقات فقیر و روستانشین بودند اما با این وجود روان آنها در ارداویرافنامه از جایگاه بالایی برخوردار است و دلیل آن نیز نقش مثبت آنها در اقتصاد جامعه می‌باشد در فصل ۱۴ ارداویرافنامه روان کشاورزان را به درخشندگی ستارگان معرفی کرده و مینوی آب و زمین و گیاهان و گوسفند را دعا گوی آنها دانسته است.

## ۲-۷. صنعتگران

در ارداویرافنامه در ستایش روان صنعتگران می‌خوانیم:

«و دیدم روان صنعتگران که در گیتی فرمانروایان و سالاران را خدمت کردند. هنگامی که برگاهی خوب گسترده، بزرگ و روشن و درخشان نشسته بودند و این به نظر من بسیار ستایش آمیز آمد» (ارداویرافنامه، ۱۳۷۲: ۶۰).

صنعت گران و پیشه وران جزو طبقات پایین شهری بودند که تمامی خدمات شهری بر عهده آنها بوده است، در شاهنامه فردوسی از کفشگری نام برده شده است که در دوره انوشیروان می‌زیسته و توانایی مالی او به حدی بوده که می‌توانسته آذوقه تمامی لشکر انوشیروان را تامین کند و درقبال این خدمت از انوشیروان می‌خواهد که به فرزندش اجازه تحصیل دهد که با مخالفت انوشیروان مواجه می‌شود، صرف نظر از صحت یا سقم این داستان، تمول برخی از پیشه وران در آن دوره در خور توجه است.

## ۲-۸. کدخدایان و دهقانان

کدخدایان و دهقانان مالکان زمین های روستایی بودند که در رده های پایین طبقاتی جای داشتند و در جامعه ساسانی که بیشتر اقتصاد آن حول و حوش کشاورزی می چرخید بیشترین حجم مالیات را به دولت مرکزی پرداخت می کردند و برخلاف مرتبه پایین طبقاتی از منظر اقتصادی جایگاه بالایی داشتند. در اوستا و بسیاری از متون پهلوی از جمله ارداویرافنامه شغل آنها ستایش شده است :

« و دیدم بسیار گاه زرین بستر خوب و بالش و فرش های شایسته بر روی آنها روان کدخدایان و دهقانانی نشسته بودند که ده و دودمان و میهن و ملک و جای ویران را آباد کردند» (همان : ۶۱).

## ۲-۹. آموزگاران

یکی از چهار طبقه اصلی در دوره ساسانی طبقه دبیران و آموزگاران بودند، آنها برای آموختن و آموزش دادن به دبیرستان می رفتند ، البته درباره آزاد بودن و یا ممنوع بودن آموزش همگانی نمیتوان بر اساس کتاب ارداویرافنامه نظر قاطعی داد چرا که در این کتاب تنها به ستایش دانش و آموزگاران پرداخته و بدان بسنده کرده است :

« و دیدم روان استواران و آموزگاران و پژوهندگان در گاهی روشن و در بزرگترین شادی و این به نظر من بسیار ستایش آمیز آمد» ( همان : ۶۱).

## ۲-۱۰. دبیران

دبیران در سومین طبقه مشاغل در دوره ساسانی جای می گرفتند و افراد باسوادی بودند که در دبیرستان ها آموزش می دیدند ، در فصل سوم کتاب ارداویراف پس از بازگشت از معراج از موبدان می خواهد که دبیری دانا و فرزانه بیاورند تا شرح سفرش را بنویسد و موبدان نیز اجابت می کنند.

## ۲-۱۱. وکیل مدافعان و آشتی خواهان

در فصل ۱۵ کتاب روان وکیل مدافعان و آشتی خواهان ستایش شده است، وجود چنین شغل و مقامی در دوره ساسانی خود نمایانگر جامعه مدنی پیشرفته و دستگاه قضایی

گسترده‌ای بوده است البته قوه قضایی در این دوره زیر نظر روحانیان اداره می‌شده و موبدان بر آن نظارت کامل داشته‌اند.

## ۲-۱۲. قاضیان

در فصل ۶۷ کتاب ارداویراف از مجازات مردی سخن می‌گوید که خود با داسی در دست سینه و بغل خود را می‌درید و میخی آهنین در چشمش زده بودند، شغل این مرد میانجیگری یک شهر بوده و جرمش گوش نکردن به شکایت درویشان و مسافران بود و اینکه در پیمانۀ تقلب میکرده است، البته وظیفه دوم که به توزین غلات باز می‌گردد خود جای بحث دارد و به نظر نگارنده گویا یکی از وظایف قاضی که خود از موبدان بوده دستگیری از درویشان بوده است و قاضی می‌بایست نذورات و خیرات را به درستی بین نیازمندان تقسیم میکرده و در اینجاست که قاضی تبهکار پیمانۀ را کم گرفته و خوارو بار نیازمندان را به سود خویش ضبط کرده و مستوجب این کفاره سنگین شده است.

## ۲-۱۳. بازرگانان

فعالیت اصلی بازرگانان و فروشندگان در شهرها انجام می‌گرفت، هر گروه از کسبه و پیشه‌وران قسمت ویژه‌ای از بازار را در اختیار داشتند، این نکته در کتاب دینکرد (کتاب هشتم، فصل ۳۸) ذکر شده و نشان می‌دهد که نظم و قاعده خاصی وجود داشته است (دریایی، ۱۳۸۳: ۱۱۱). عدول از این نظم مجازات سنگینی داشته بگونه‌ای که در فصل ۲۷ ارداویرافنامه از عذاب روان مردی سخن رفته است که کم فروشی میکرده و آب به می‌افزوده و خاک به غلات می‌کرده و آن را به بهای گرانی می‌فروخته است، فروشندگان جزو معدود مشاغلی هستند که در ارداویرافنامه نکوهش شده‌اند و این نشان می‌دهد که در جامعه ساسانی فروشندگی و بازرگانی جایگاه پایینی در اقتصاد داشته و میزان مالیاتی که دولت از این شغل می‌گرفته است بسیار ناچیز بوده است این نگاه منفی به فروشندگی و تجارت در دیگر متون پهلوی نظیر مینوی خرد نیز به کرات مشاهده می‌شود.

## ۳. محصولات فناوری یاد شده در ارداویرافنامه (محصولاتی با کارکرد دوگانه)

با کنکاشی در این کتاب می توان به نام برخی از ابزارهای و محصولات فناوری متداول در دوره ساسانی دست یافت که کاربردی مذهبی برای آنها لحاظ شده است ، محصولاتتی مانند:

### ۳-۱. سنگ و قفیز و ترازو و دلو

دستگاه های اندازه گیری وزن و زمان و یا ابزار نقشه برداری در ایران باستان کاربرد وسیعی داشته اند ، زیرا ایرانیان به دلیل ضروریات نظام زراعی و تاکید حکومت هایشان به امور گاهشماری و زمان سنجی دقت تمام مبذول می داشته اند . ( سلیم ، ۱۳۹۰ : ۷۸ )  
قفیز ابزارو پیمانانه ای جهت اندازه گیری غلات بوده که در چندین جای کتاب از آن یاد شده است از جمله در فصل ۸۰ می خوانیم:

« ...سروش اهلو و آذر ایزد گفتند که : این روان آن دروندانی است که در گیتی سنگ و قفیز و دیگر پیمانانه را کم داشتند و به مردمان چیز فروختند » ( ارداویرافنامه ، ۱۳۷۲ : ۸۰ ).

در فصل ۵ کتاب نیز از ایزد رشن یاد شده در حالیکه ترازوی زرد زرینی در دست دارد و با آن کارهای اهلوان و دروندان را اندازه می گیرد ، رشن ایزد دادگری و یکی از داوران روز جزاست و به گفته بندهش : شاهین ترازوی او چکاددائیتی است . ( دادگی ، ۱۳۸۵ : ۱۲۹ )

در مینوی خرد نیز مطابق ارداویرافنامه از وظیفه رشن و همراهانش در دادگری روز واپسین سخن گفته است :

« پس از آنکه روح سه روز در بالای سر کالبد مرده پاسبانی نمود در صبح روز چهارم به همراهی سروش مقدس و باد نیک و بهرام توانا از ستیزه اهریمن و یارانش رهایی یافته از پل چینوت می گذرد آنگاه رشن راست ترازو دار اعمال را می سنجد کفه ترازو را به هیچ طرف متمایل نسازد سر مویی خطا نکند نه از برای پاکان و نه از برای ناپاکان نه از برای گدا و نه از برای شاه با همه یکسان رفتار کند خواه توانگر خواه درویش » . ( یشت ها ، ۱۳۷۷ : ج ۱ / ۵۶۳ )

در فصل ۲۷ کتاب از قفیز در کنار دلو و سنگ نام برده شده است که مردی در کار با آنها تقلب می کرده است ، قفیز در اینجا پیمانانه و واحد اندازه گیری غلات و دلو نیز ظرف اندازه گیری مایعات بوده است .



### ۲-۳. میخ چوبی

این میخ در نجاری جهت اتصال انواع تخته کاربرد داشته است ، و یکی از کاربردهای آن مطابق نص کتاب جهت شکنجه مجرمین در دوزخ می باشد و به احتمال زیاد در دوره ساسانی نیز از آن جهت مجازات مجرمین استفاده می شده است:

« پس دیدم روان هایی که بر زبانشان میخ چوبی رسته بود نگوئسار به دوزخ فرو می رفتند و دیوان با شانه آهنین همه تن ایشان را می کنند. » ( ارداویرافنامه، ۱۳۷۲ : ۹۵ )

و در فصل ۶۹ آمده :

« و دیدم روان زنانی که در دو چشم آنان میخ چوبی زده بودند ... » ( همان : ۸۵ )

### ۳-۳. میخ آهن

در فصل ۷۹ کتاب از مجازات وحشتناک مردی سخن می گوید که هر دو چشمش را کنده بودند و زبانش را بریده بودند و با شانه دوشاخ تنش را رنده می کردند و میخی آهنی را به سرش زده بودند ، این تصویر ترسناک احتمالاً در عالم واقعیت نیز نمود داشته است.

### ۴-۳. شانه آهنی

که در کنار شانه هایی از جنس چوب و عاج فیل جهت آرایش موها استفاده میشده است ، در فصل ۷۹ کتاب از نوعی شانه دوشاخ روئین نام برده شده که از آن جهت رنده کردن تن مردی که دآوری دروغزن بوده استفاده شده است و در فصل ۸۷ کتاب نیز روان زنی که به فرزندش شیر نداده با شانه ای آهنی تن و روی خویش را رنده می کند ، در فصل ۹۹ کتاب ، دیوان از آن جهت کندن تن مردمانی که نسبت به فرمانروایانشان نافرمانی کرده اند استفاده می نمایند.

### ۵-۳. آب زر

در فصل نخست کتاب از نوشتن زند و اوستا با آب زر بر روی پوست های آراسته گاو سخن رفته ، این کتاب ها در دژنپشت (احتمالاً در کعبه زرتشت) در استخر پاپکان نگهداری می شده و اسکندر آنها را سوزانده است . از آنجا که کاغذ هزاران سال پیش توسط مصریان و چینی ها اختراع شده بوده، ساسانیان نیز از آن استفاده می کردند و نوشتن با آب زر بر روی پوست گاو تنها جهت متون بسیار مقدس و مهم مانند اوستا استفاده می شده است، در فصول دیگر کتاب هر جا که چیز مهمی را خواسته گوشزد کند از فلز زر (طلا) یاد کرده است، برای نمونه در فصل نخست ارداویراف می و منگ را در جامی زرین می آشامد و در فصل ۱۲ روان معتقدان به دین مزدیسنا را در جامه ای زینت یافته با زر و روان پادشاهان نیک سیرت را در ارابه هایی زرین به تصویر کشیده شده اند و در فصل ۱۳ کتاب نیز روان زنان فرمانبردار شوی را در جامه ای زینت یافته از زر و سیم و گوهر تصور کرده است، همانطور که پیشتر در بخش صنایع ساسانی گفتیم گوهر و مروارید خلیج فارس یکی از صادرات باارزش ایران در دوره ساسانی بوده است که به روم و چین فرستاده می شده است.

### ۳-۶. نیزه

نیزه علاوه بر ابزاری جنگی در فصل یک کتاب ، ابزاری دینی است به طوری که به استناد کتاب موبدان سه بار نیزه آزمایش دینی می اندازند و هر سه بار نیزه به سوی ویراز میآید ، این سه بار نیزه انداختن نوعی آزمایش دینی بوده که با توجه به تقدس عدد سه و به نام اندیشه و گفتار و کردار نیک انداخته می شده است. ( ارداویرافنامه، ۱۳۷۲ : ۴۶)

کار برد دیگر نیزه به عنوان وسیله اندازه گیری بوده است چنانکه در فصل پنجم کتاب می خوانیم :

« و پس از آن پل چینود به اندازه نه نیزه پهن شد » ( همان : ۵۳).

در متن پهلوی داتستان دینیک نیز به کاربرد نیزه به عنوان واحد اندازه گیری اشاره شده است :

«یشتی بکنند و زمین سه نیزه بالا باز شود، به سوم یشت ... به چهارم یشت سه بیور نیزه بالا باز شود، به پنجم یشت به ستاره پایه رسد و گرزمان از آنجای فرود به ستاره پایه آید» ( عقیفی، ۱۳۸۳ : ۱۰۳).

### ۳-۷. سروش اوچرنام

تنبیهی برای حدی از گناه بوده «معنی این واژه را چوبدستی که پیشوایان برای تنبیه گناهکاران در دست می گرفته اند نوشته اند» (همان : ۵۶۱). در فصل ۶ کتاب از این تازیانه نام برده شده که جهت انضباط دینی به کار می‌رفته و در عالم روحانی نیز از آن به عنوانی معیاری جهت اندازه‌گیری اعمال نیک استفاده می‌شد..

### ۳-۸. ارابه زرین و گردونه

این دو محصول فناوری باستان جهت حمل و نقل و گاه در جنگ استفاده می‌شد و صفت زرین در کنار آنها نشان‌دهنده ارزش مقام استفاده‌کننده از آنهاست، در فصل ۱۲ کتاب این ارابه‌ها به پادشاه هان و فرمانروایانی اختصاص دارد که دارای صفات : بزرگی، خوبی، نیرومندی، پیروزگری هستند.

### ۳-۹. زین افزار

بر خلاف اعراب و قبایل ترک و مغول که بر اسبانی برهنه سوار شده و می‌جنگیدند سوارکاران ایرانی بر اسبانی مجهز به زین افزاری تزئین شده سوار می‌شده اند به این مطلب در فصل ۱۴ کتاب اینگونه اشاره شده است :

«و دیدم روان ارتشتاران را که در برترین رامش و در اندیشه ای شادمانه راه می‌رفتند، با جامه دهدان، با زین افزار گردان خوب ساخته شده از زر، ساخته شده و گوهر افزوده، درخشان همه زینت یافته در ارابه و گردونه شگفت با شکوه، نیرومندی و و پیروزگری بسیار» (ارداویرافنامه، ۱۳۷۲ : ۵۹).

### ۳-۱۰. شکنج

همان ابزار شکنجه است که در فصل ۳۱ کتاب از آن نام برده شده ، اما نوع آن را مشخص نکرده است.

### ۳-۱۱. داس

در فصل ۶۵ کتاب از این ابزار دروی محصولات کشاورزی برای بریدن پای کسانی استفاده شده است که در گیتی پدر و مادرشان را آزار دادند و توبه نکردند و در فصل ۶۷ نیز از مردی یاد شده است که به جرم نگه نداشتن سنگ و قفیز (کم فروشی) در حالیکه میخی آهنی به چشمش زده بودند با داسی آهنی سینه و زیر بغلش را می برید .

### ۱۲-۳. خارپشت آهنی

گویی از جنس آهن و دارای خارهای تیز بر روی خود بوده است که زنجیر یا دسته ای جهت در دست گرفتن داشته و نوعی ابزار شکنجه در دوره ساسانی بوده است ، در فصل ۷۰ کتاب از کاربرد این ابزار شکنجه برای تنبیه روان زنانی که در گیتی از شوهرشان نافرمانی کرده اند یاد شده است .

«و دیدم روان زنانی که نگوئسار افکنده بودند و چیزی همانند خارپشت آهنی با خاری که از آن رسته بود در بدن آنها فرو می رفت و بیرون می آمد ...» ( همان، ۱۳۷۲ : ۸۵).

### ۱۳-۳. کاریز

کاریز یا قنات یکی از ابداعات ایرانیان در زمینه آبیاری زمینهای کشاورزی است که تاریخ دقیق اختراع آن به آغاز دوران هخامنشی باز می گردد ، مردم آن دوره « در فن آبیاری و کندن کاریز پیشگامتر از همه ملت های جهان بودند و این فن نخست از ایران به ترکستان و آفریقا برده شد» ( سلیم، ۱۳۹۰ : ۷۷).

در این شیوه آبیاری ، ایرانیان با زدن نقب و چاه در دل زمین آب را از کیلومترها فاصله بدون صرف هیچ نوع انرژی ای به زمینهای هموار داشت هدایت می کردند ، در دوره ساسانی که پایه اقتصاد کشور کشاورزی و دامداری بود به حفر قنات توجه بسیاری میشد و لذا در فصل ۱۵ ارداویرافنامه روان کدخدایان و دهقانانی که کاریز و رود و چشمه برای کشاورزی و آبادانی و بهره و سود مردمان آورده اند ستایش شده اند.

### ۱۴-۳. پیخگ

به معنی گره است، نوعی چوبدستی با نه گره بوده که در تشریفات مذهبی (برش‌نوم) از آن برای تطهیر استفاده می‌نمودند، در فصل ۳۸ بند ۳ کتاب در باره آن می‌خوانیم:

« و پرسیدم این تن چه گناه کرد؟ سروش اهلو و آذر ایزد گفتند: این روان آن مرد دروندی است که در گیتی هیخِر (چرک) و نسا (مردار) به آب و آتش و تن خود و نیز آن مردمان برد و همواره یک بار و ناپاک بود و خود را با پیخگ نشست » ( ارداویرافنامه، ۱۳۷۲ : ۷۲).

#### ۴. خوراک در ارداویرافنامه

خوراک یکی از سه نیاز اساسی انسان می‌باشد و جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ، هویت و دین یک ملت دارد، با شناخت وضع تغذیه یک ملت می‌توان تا حدودی به هویت، فرهنگ و دین آن ملت پی برد.

غذاها و امتعه‌ای که در کتاب ذکر شده‌اند، تمامی خوراک‌هایی دارای رویکرد دینی هستند.

#### ۴-۱. می و مَنگ گشتاسبی

در فصل دو کتاب آمده: «پس دستوران دین سه جام زرین می و مَنگ گشتاسبی پر کردند... به ویراز فرادادند» ( ارداویرافنامه، ۱۳۷۲ : ۴۸). می گشتاسبی نیز گویا همان شراب هوم بوده که «مشروبی سکر آور بود که از گیاهی به عمل می‌آوردند» (گیرشمن، ۱۳۸۳ : ۱۸۴). و مَنگ نیز « ماده مخدری بوده که در پزشکی و نیز در مراسم مذهبی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در اوستا این واژه به صورت بَنگهه و در سانسکریت بَهنگا آمده است» (عفیفی، ۱۳۸۳ : ۶۲۲).

#### ۴-۲. خوراک آنوش

پس از آنکه ارداویراف از معراج باز می‌گردد موبدان از وی می‌خواهند که داستان معراج خود را برای آنها شرح دهد و ارداویراف می‌گوید که به آدم گرسنه و تشنه نخست باید غذا داد و سپس از وی پرسید پس « دین دستوران فرمان دادند که خوراک

انوش خوش خوراک خوب پخته شده و خوش بوی و خوردنی و آب سرد و می بیاورند ( ارداویرافنامه، ۱۳۷۲ : ۵۰). منظور از خوراک انوش پاد زهری است که خاصیت آن از بین بردن اثرات منگ است، انوش همچنین اکسیر بی مرگی و نوشداروی جوانی است.

#### ۳-۴. درون و میزد

پس از بازگشت ارداویراف از معراج موبدان برای وی غذایی فراهم می کنند تا پس از رفع گرسنگی و تشنگی شرح سفر خود را باز گوید تا دبیران بنویسند :  
«آنان درون یشتند و ویراز باج گرفت و خوراک خورد و میزد انجام داد و باج بگفت» ( همان : ۵۰).

کلمه درون در اوستا به معنی نصیب بهره و دارایی است و اصطلاحاً به سهمی گفته می شود که در طی مراسم دینی به خدایان تقدیم می شود ، «اما در آثار پهلوی و استعمال امروزی درون قرصه نان نازکی است که از خمیر بر نیامده گندم درست می کنند .» ( مینوی خرد، ۱۳۷۶ : ۹۳).

#### ۴-۴. خوراک های ممنوعه مذهبی

در ارداویرافنامه خوردن نسا ، چرک و مدفوع ممنوع شناخته شده است؛ در فصل ۹۸ همین کتاب از مجازات زن و مردی نوشته که «گوشت مردار خوردند و ببرک آبی (سگ آبی) را در آب کشتند و دیگر آفریده های اورمزدی را زدند و کشتند.» ( ارداویرافنامه، ۱۳۷۲ : ۶۶). متن پهلوی اندرز دستوران به بهدینان علاوه بر اینکه خوردن گوشت مردار را نکوهش کرده دلیل مذهبی آن را نیز ذکر کرده است:

« اگر پرسیده شود که چرا گوشت مردار نخورند ؟ گفته شود بدین سبب که دیوان در آن تباهی می کند و آن به زیان مردمان میتواند باشد. » ( عقیقی، ۱۳۸۳ : ۱۶۲).

البته همان گونه که خوردن مردار و چرک و مدفوع در این جهان نکوهش شده در جهان دیگر خوردن آن به عنوان مجازاتی برای روان بدکاران در نظر گرفته شده است (همان : ۶۰).

در ادامه فصل ۹۸ ارداویراف از مجازات سخت کسانی سخن می گوید که در گیتی خوراک و جامه از خود دریغ داشتند و به مستحقان نیز ندادند و خود و اطرافیانشان را

گرسنه و بی‌جامه نگاه داشتند، در اوستای نو درباره غذای زنی که دچار عادت ماهیانه شده است می‌خوانیم:

«چه اندازه خوراک و چه اندازه نان باید برای او ببرند؟ تنها به اندازه دو دینار نان و به اندازه یک دینار شیر یا (شیربرنج) تا مبادا نیرو بگیرد.» (اوستا، ۱۳۸۵: ج ۲/ ۸۳۷)

در روایت پهلوی خوردن همه جانوران مفید به غیر از سگ، کلاغ سیاه، کرکس و مرغ شکاری توصیه شده است (بهار، ۱۳۶۲: ۹۸)

## ۵. ردپای پوشاک رایج جامعه ساسانی در ارداویرافنامه

در ارداویرافنامه اطلاعات با ارزشی در این زمینه نیامده است.

## ۶. ردپای معماری رایج جامعه ساسانی در ارداویرافنامه

در چندین فصل از کتاب ارداویرافنامه می‌توان اطلاعاتی در زمینه نوع مسکن ایرانیان در دوره ساسانی پیدا کرد، نخستین نوع مسکن یا بنا که در فصل یک کتاب به آن اشاره شده است اماکن مذهبی می‌باشد، در فصل نخست گفته میشود که اسکندر اوستا و زند را که با آب زر بر روی پوست گاو نبشته شده بود و در استخر پاپکان در دژنپشت نگهداری میشد سوزاند و از بین برد، پس مطابق نوشتار کتاب همواره جایگاهی خاص جهت نگهداری متون دینی وجود داشته است که آنها را از خطر تغییر و تحریف و بلایای طبیعی دور نگاه دارند. دومین بنای مذهبی که در فصل اول کتاب ذکر شده است آتشکده آذر فرنبغ می‌باشد که انجمن موبدان در آن گرد آمدند و با گرد آوردن هزاران ایرانی توانستند فرد مورد نظر خود را جهت معراج به عالم روحانی پیدا کنند، پس این آتشکده ویژه موبدان باید مکانی خاص و بسیار مهم و معروف بوده باشد که در بین تمامی آتشکده های ایران چنین امر مهمی در آن اتفاق افتاده و محل تجمع موبدان و مردم انتخاب شده است، «آذر فرنبغ نام یکی از آتشکده های مهم دوره باستان است که به طبقه روحانیان اختصاص داشته است.» (عقیقی، ۱۳۸۳: ۴۱۶). کریستین سن مکان آتشکده آذر فرنبغ را کاریان فارس می‌داند (همان: ۴۱۷):

از سومین بنای مذهبی در فصل دوم تحت عنوان مان مینو یاد شده است که گویا آتشکده ای بوده که در آنجا ایزد آذر به صورت مینوی ستایش میشده و روان ارداویراف در

این آتشکده به معراج میرود به نظر نگارنده این آتشکده احتمالا بخشی از آتشکده آذر فرنیغ بوده و مانند بارگاه امام رضا (ع) که از چندین صحن تشکیل شده در زیرمجموعه آن قرار داشته است، در فصل دوم کتاب هفت خواهر ارداویراف در مخالفت به معراج برادرشان خانواده خود را به خانه ای تشبیه کرده اند که هفت تیر دارد و یک ستون و اگر این یک ستون را بردارند هفت تیر می افتند، مطابق این بند از کتاب نوعی از مسکن در دوره ساسانی خانه هایی با سقف چوبی بوده که ستونی از جنس چوب، خشت، آجر و ... آنها را نگاه می داشته است و این نوع از خانه های چوبی امروزه نیز در مناطق روستایی کشورمان مرسوم است.

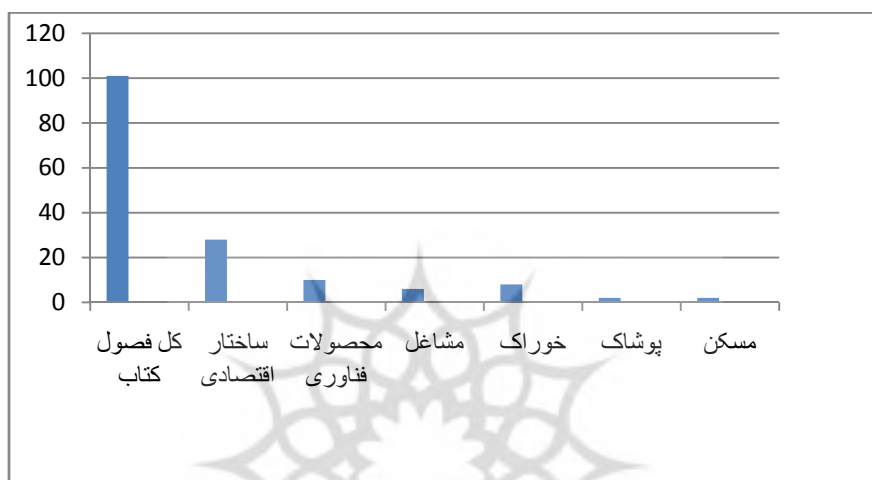
## ۷. نتیجه گیری

همان گونه که در نمودار پیوست مشاهده می شود، درصد اندکی از ۱۰۱ فصل ارداویرافنامه به ساختارهای اقتصادی اختصاص یافته است، این خود به دلیل رویکرد مذهبی کتاب است البته همین بخش اندک اختصاص یافته به ساختار اقتصادی نیز خود دارای درونمایه و رویکرد مذهبی است.

با نگاهی اجمالی به محتوای اندک اقتصادی کتاب به راحتی می توان نوعی همسویی و هماهنگی بین ساختارهای اقتصادی جامعه ساسانی و ساختارهای اقتصادی ارداویرافنامه دست یافت؛ در بخش ساختار خوراکیها مشاهده می گردد که تمامی خوراکیهای نام برده شده در کتاب نظیر: می و منگ گشتاسبی، درون و میزد، شربت انوش و حتی خوراکیهایی که در دوزخ به دوزخیان داده می شود بر خواسته از آیین زرتشت هستند. نه تنها در دیگر متون پهلوی نام برده شده اند بلکه دارای جنبه تقدیس یا تقبیح دینی نیز هستند، در بخش ساختار مشاغل نوعی هماهنگی مابین این مشاغل و ساختار طبقاتی جامعه ساسانی مشاهده می شود به گونه ای که مشاغل طبقه بزرگان و روحانیون که در راس طبقه اجتماعی هستند جایگاه بالایی نیز در ارداویرافنامه دارند و ارزانیان و برده گان در پایین ترین جایگاه قرار گرفته اند، در بخش پوشاک و مسکن هر چند که مطلب اندکی در کتاب آمده ولی آن نیز پوششی مذهبی دارد و هم راستا با فرهنگ جامعه زرتشتی ساسانیست، در بخش محصولات فناوری نیز تمامی این محصولات نظیر: سنگ و قفیز و ترازو و دلو و... علاوه بر جنبه اقتصادی دارای کاربرد دینی نیز هستند به گونه ای که از آنها گاه برای سنجش اعمال مجرمان و نیکوکاران و گاه برای مجازات گناه کاران استفاده می



شود ، پس با توجه به اطلاعات اقتصادی مندرج در کتاب می توان گفت که ساختار های اقتصادی ارداویرافنامه کاملا همسو با ساختار های اقتصادی نظام ساسانی می باشند لذا ارداویرافنامه را می توان به عنوان یک منبع معتبر دوره ساسانی قلمداد کرد که اطلاعات آن نمایانگر بخشی از ساختارهای گوناگون جامعه ساسانی می باشد .



توزیع فراوانی درصد اختصاص یافته فصول ارداویرافنامه به ساختارهای اقتصادی

## منابع

- آسانا، جاماسب جی دستور منوچهر جی جاماسب، (۱۳۷۱). *متون پهلوی*، ترجمه سعید عریان، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ابن اسفندیار، (۱۳۱۱). *نامه تنسر*، به سعی و کوشش مجتبی مینوی، تهران: چاپخانه مجلس.
- ارداویرافنامه*، (۱۳۷۲). به کوشش فیلیپ ژینیو و ترجمه و تحقیق ژاله آموزگار، تهران: نشر معین.
- اوستا*، (۱۳۸۵). ترجمه و گزارش جلیل دوستخواه، ج ۲، تهران: گلشن.
- اینوستراتسلف، کنستانتین، (۱۳۵۱). *تحقیقاتی درباره ساسانیان*، ترجمه کاظم کاظم زاده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب .
- بروسیوس، ماریا، (۱۳۸۵). *ایران باستان*، ترجمه عیسی عبدی، تهران: ماهی .
- بویس، مری، (۱۳۷۵). *تاریخ کیش زرتشت پس از اسکندر گجسته*، ترجمه همایون صنعتی زاده، ج ۳، تهران: توس .
- بهار، مهرداد، (۱۳۶۲). *پژوهشی در اساطیر ایران*، تهران: توس .

- تفضلی، احمد، (۱۳۷۶). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، جلد اول، تهران: سخن.
- دادگی، فرنیغ، (۱۳۸۵). *بندهش*، ترجمه و تصحیح مهرداد بهار، چاپ سوم، تهران: توس.
- درخت آسوریک، (۱۳۸۶). *ترجمه یحیی ماهیار نوایی*، تهران: فروهر.
- دریایی، تورج، (۱۳۸۳). *شاهنشاهی ساسانی*، ترجمه مرتضی نایب فر، تهران: ققنوس.
- دیاکونف، م. م.، (۱۳۸۰). *تاریخ ایران باستان*، ترجمه روحی ارباب، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رضی، هاشم، (۱۳۸۲). *آیین مغان پژوهشی درباره دین های ایرانی*، سخن.
- روایت پهلوی*، (۱۳۹۰). گزارش مهشید میرفخرایی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زند بهمن یسن*، (۱۳۸۵). ترجمه محمد تقی راشد محصل، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سلیم، محمد نبی، (۱۳۹۰). *تاریخ تمدن و فرهنگ ایران زمین*، تهران: جامی.
- شاپور شهبازی، علیرضا، (۱۳۸۹). *تاریخ ساسانیان*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شایست و ناشایست، (۱۳۹۰). *ترجمه کتیون مزدا پور*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- شوشتری (مهرین)، عباس، (۱۳۴۲). *ایران نامه یا کارنامه ایرانیان در عصر ساسانیان*، تهران: آسیا.
- شپیمان، کلاوس، (۱۳۹۰). *مبانی تاریخ ساسانیان*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: فرزانه.
- عریان، سعید، (۱۳۷۷). *واژه نامه پهلوی*، تهران: بی نا.
- عقیقی، رحیم، (۱۳۸۳). *اساطیر و فرهنگ ایران*، تهران: توس.
- کریستین سن، آرتور، (۱۳۸۴). *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: نگاه.
- گیرشمن، رومن، (۱۳۸۳). *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران: علمی و فرهنگی.
- لوکونین، ولادیمیر گریگوریوویچ، (۱۳۶۵). *تمدن ایران ساسانی*، ترجمه عنایت الله رضا، تهران: علمی و فرهنگی.
- مرد بهرامان، فرخ، (۱۳۹۱). *مادیان هزار دادستان*، ترجمه و پژوهش سعید عریان، تهران: نشر علمی.
- مینوی خرد، (۱۳۷۶). *ترجمه احمد تفضلی*، تهران: توس.
- نقیسی، سعید، (۱۳۸۳). *تاریخ تمدن ایران ساسانی*، تهران: اساطیر.
- وهمن، فریدون، (۱۳۵۵). *واژه نامه ارتای ویرازنامهک*، تهران: بی نا.
- هینلز، جان راسل، (۱۳۸۳). *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه باجلان فرخی، تهران: اساطیر.
- یشت ها*، (۱۳۷۷). ترجمه و تصحیح ابراهیم پور داوود، ج ۱-۲، تهران: اساطیر.